

## شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا

حسام الدین شریفی \*

منصوره برادران مظفری \*\*

DOI: 10.22096/EK.2022.528069.1344

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲]

### چکیده

اعمال ارادی انسان، موضوع حکمت عملی هستند که قسمی از موجودات حقیقی و واقعی به شمار می‌روند. اعمال ارادی به عنوان موجوداتی حقیقی، انسان را به کمال واقعی می‌رسانند. برای شناخت این اعمال باید از روشی استفاده شود که کاشف از واقعیت باشد و آنها را همان‌گونه که در خارج محقق می‌شوند به انسان بشناساند. برهان یگانه روشی است که علم حصولی از واقعیات را همان‌گونه که هستند در اختیار انسان قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اگر علم حصولی که منشأ اعمال ارادی انسان است حقیقی و مطابق با واقع باشد و به اصطلاح برهانی باشد، همان‌گونه که در ذهن است امکان تحقق در خارج را خواهد داشت و پس از تحقق در خارج آثار واقعی و حقیقی مورد انتظار را از خود بروز خواهد داد. بنابراین در حکمت عملی و هر علمی که مربوط به اعمال ارادی انسان است، باید از روش برهانی بهره جست. برای تأیید این مطلب می‌توان در آثار فارابی و ابن سینا شواهد بسیاری یافت که در آنها به برهانی بودن حکمت عملی اشاره شده است. با تأیید برهانی بودن حکمت عملی، پژوهش‌ها دربارهٔ افعال ارادی انسان (علوم انسانی رایج) را می‌توان به بهره‌گیری از روش برهانی سوق داد و انتظار داشت تا محققان به نتایج واقعی و نفس‌الامری در این حوزه دست یابند.

**واژگان کلیدی:** حکمت عملی؛ علوم برهانی؛ روش برهانی؛ فارابی؛ ابن سینا.

Email: hesharifi@yahoo.com

\* دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mbaradaranmozafari@gmail.com

\*\* دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.



## مقدمه

در منطق و حکمت اسلامی، علوم برهانی یا فلسفی به آن دسته از علومی گفته می‌شود که در پی دریافت واقعیت هستند. انسان موجودی است که دارای افعالی ارادی است. صدور افعال از انسان، بدون علم و آگاهی امکان ندارد. علمی که پشتوانه اعمال انسان واقع می‌شود می‌تواند برهانی یا غیربرهانی باشد. اگر این علم برهانی باشد، حکمت عملی حاصل می‌شود. حکمت عملی، اساس اعمالی قرار می‌گیرد که نسبتشان با کمال و سعادت انسان، با برهان ثابت شده است. اگر علمی که پایه افعال انسان قرار می‌گیرد، غیربرهانی باشد، به صورت یقینی معلوم نیست، افعالی باشند که امکان تحقق در خارج را داشته باشند و در صورت امکان تحقق، به صورت یقینی معلوم نیست انسان را به سعادت حقیقی برسانند. به همین سبب تثبیت روش برهانی برای تحقیق در افعال ارادی انسان و معرفی آن به عنوان روش حکمت عملی، از ارزش و جایگاه مهمی برخوردار است.

در آثار حکمای اسلامی، به برهانی بودن حکمت عملی توجه شده است، ولی به سبب مهجور بودن حکمت عملی در طول تاریخ، ممکن است این مطلب برای برخی روشن نباشد و این تصور ایجاد شده باشد که حکمت عملی، علمی غیربرهانی است.

با مراجعه به نگاه‌های دوره‌های معاصر، دیده می‌شود که درباره حکمت عملی، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده‌اند، از جمله حکمت عملی از دیدگاه سه فیلسوف یا روش‌شناسی حکمت عملی و یا حکمت عملی به مثابه علوم انسانی و... در این نگاه‌ها یا حکمت عملی، علمی غیربرهانی و اعتباری و مبتنی بر مشهورات و اعتبارات تلقی شده است<sup>۱</sup> یا اگر برهانی دانسته شده، تبیین درست و کاملی از دلایل برهانی بودن حکمت عملی صورت نگرفته است.<sup>۲</sup>

در این مقاله تلاش شده است نخست با بیان دلایلی، امکان تحقق حکمت عملی چونان علمی برهانی تبیین شود و در گام بعد با ارائه شواهدی از آثار فارابی و ابن‌سینا، در جایگاه بزرگان پیشگام در فلسفه اسلامی، برهانی بودن حکمت عملی تثبیت گردد.

۱. برای نمونه، سید حمیدرضا حسینی، حکمت عملی به مثابه علوم انسانی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸). در این کتاب حکمت عملی همسان علوم انسانی معاصر دانسته شده است که روش‌های مطرح در فلسفه غرب بر آن حاکم است، نه برهان.

۲. برای نمونه، یحیی بوذری‌نژاد، روش‌شناسی حکمت عملی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵)؛ محمد ذبیحی، حکمت عملی از نگاه سه فیلسوف مسلمان (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷).

## ۱. علوم برهانی

صنعت یا علم به معنای مجموعه گزاره‌های مرتبط به یکدیگر است که گاهی عامل پیوند آنها، قیاس‌های به هم پیوسته‌ای است که حول موضوع واحدی شکل گرفته‌اند و گاهی عامل پیوند، غایت و کارکرد خاصی که بدون در میان بودن قیاس‌های به هم پیوسته، موجب انسجام و پیوستگی دسته‌ای از گزاره‌ها به یکدیگر شده است. علوم قیاسی، پنج قسمند: فلسفه به معنای عام، جدل، سفسطه، خطابه و شعر.<sup>۳</sup>

علم قیاسی فلسفی را برهانی نیز می‌نامند که در آن گزاره‌های حق درباره اشیائی بیان می‌شوند که شأنت علم یقینی به آنها وجود دارد، درحالی‌که در اقسام دیگر علوم قیاسی، هدف از علم یافتن حق و یقین به اشیاء نیست. «فالمخاطبة الفلسفية تسمى البرهانية، و هي يلتمس بها تعليم الحق، و بيانه في الأشياء التي شأنها أن توقع العلم اليقین بالشیء.»<sup>۴</sup>

در علوم برهانی یا فلسفه به معنای عام، از قیاس‌های برهانی برای حل مسائل علم بهره برده می‌شود نه تکرار و مشاهده اعمال. این علوم شامل ریاضیات، علوم طبیعی و ... است. «الصناعات التي تحصل المعرفة بمعلوماتها لاعتن مزاوله أفعال، فلتسم الصناعات النظرية. و هذه الصناعات هي التي يحتاج فيها الى استعمال البراهين، و هي مثل علوم التعاليم و الطبيعيات و ما اشبه ذلك.»<sup>۵</sup>

برهان قیاسی است که از مقدمات صادق، کلی و یقینی تشکیل شده است. به همین سبب، علوم می‌که از برهان استفاده می‌کنند، یقینی و همان علوم فلسفی به معنای عام هستند<sup>۶</sup> و به فلسفه به معنای عام شامل علوم نظری و عملی و منطق، صنایع یقینی گفته شده است: «الصناعات اليقينية ثلث نظرية و عملية و منطقية».<sup>۷</sup>

هدف در علم قیاسی برهانی یا فلسفی به معنای عام، شناخت حقیقت اشیاء است. برهان یگانه روش قیاسی است که با آن می‌توان به حقیقت اشیائی دست یافت که علم یقینی به آنها ممکن

۳. ابونصر فارابی، منطقیات فارابی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه (قم: انتشارات آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸)، ۱۱-۱۲/۱.

۴. فارابی، منطقیات فارابی، ۱۱-۱۲/۱.

۵. فارابی، منطقیات فارابی، ۳۰۷/۱.

۶. فارابی، منطقیات فارابی، ۳۷۲/۱: «و القیاس العلمی و هو البرهان، هو القیاس المؤلف من مقدمات صادقة کلیة یقینیة أول، او من مقدمات حصل علمها عن مقدمات صادقة کلیة یقینیة. و العلوم الفلسفية، و هي اليقینیة، هي التي يستعمل ابدأ فی بیان مطلوباتها كلها القیاسات العلمیة التي ذکرناها».

۷. فارابی، منطقیات فارابی، ۴۱۴/۱.

است. در دیگر علوم قیاسی، انسان به دنبال کشف واقعیت به صورت یقینی نیست. بر پایه این مقدمات قیاس‌های برهانی، باید از یقینیاتی که صادق و کلی هستند تشکیل شده باشد.<sup>۸</sup> از این رو، قضایای علوم برهانی، حقیقی و دارای نفس‌الامر هستند و به اعتبار انسان‌ها بستگی ندارند. این قضایا از حقیقت ارتباط میان اعمال انسان و تکامل و سعادت او گزارش می‌دهند و از سنخ قضایای انشائی، خیالی و شعری نیستند. پس اگر در حکمت عملی، قضایای تکلیفی یا انشائی دیده شد؛ یا باید آنها را به قضایای هستی‌شناختی تأویل برد و یا آنها را قضایایی دانست که به صورت استطرادی وارد آن شده‌اند.<sup>۹</sup>

علوم فلسفی برهانی با علوم جدلی تفاوت دارند زیرا در جدل، غلبه بر دیگر آراء و نظریات مخالف مهم است نه دریافت حقیقت. به همین سبب در جدل از قضایای کلی مشهور برای استدلال بهره برده می‌شود و نهایت معرفتی که ایجاد می‌کند، معرفتی عامیانه است که به یقین نزدیک است ولی هرگز جای آن را نمی‌گیرد. با جدل، قدرت ذهنی انسان برای فهم مطالب فلسفی آماده می‌شود و به این لحاظ، جدل در خدمت فلسفه است.<sup>۱۰</sup>

برای آنکه مقدمات برهان نتیجه یقینی بدهند، باید شرایطی داشته باشند مانند یقینی بودن حکم، ذاتی بودن محمول برای موضوع، ضروری و کلی بودن حکم.<sup>۱۱</sup> این شرایط از آنجا نشئت می‌گیرند که محمول در مقدمه برهان باید به گونه‌ای باشد که با تحقق موضوع، موجود و با نبود آن، معدوم باشد، زیرا اگر موضوع بدون محمول باشد یا محمول بدون موضوع باشد، یقین حاصل نخواهد شد.<sup>۱۲</sup>

کلی بودن مقدمات برهان به این معنا است که حکم بر تمام افراد موضوع و در تمام زمان‌ها ثابت باشد. کلی به این معنا سور قضیه نیست، بلکه مانند جهت است که وصف مجموع قضیه قرار می‌گیرد؛ بنابراین شامل حالتی که سور قضیه جزئی باشد یا کیف قضیه دوام یا فعلیت باشد

۸. فارابی، منطقیات فارابی، ۱۲/۱، ۳۱۰ و ۳۷۲-۳۷۳.

۹. حسام‌الدین شریفی، «جایگاه و روش‌شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی»، نشریه حکمت اسلامی ۵، شماره ۱ (۱۳۹۷): ۱۰۵-۱۲۴.

۱۰. فارابی، منطقیات فارابی، ۱۲/۱ و ۳۱۰ و ۳۷۲-۳۷۳؛ ابونصر فارابی، کتاب الحروف، تحقیق و تعلیق محسن مهدی (بیروت: دار المشرق، ۱۹۸۶)، ۱۴۸؛ ابونصر فارابی، احصاء العلوم، مقدمه و شرح علی بوملحم (بیروت: مکتبه الهلال، ۱۹۹۶)، ۳۸-۴۴.

۱۱. ارسطو، منطق ارسطو، تحقیق و مقدمه عبدالرحمن بدوی، جلد ۳، چاپ اول (کویت: وكالة المطبوعات و بیروت: دارالقلم، ۱۹۸۰)، ۱۹-۲۲ و ۲۷-۲۹.

۱۲. محمدحسین طباطبائی، حاشیه حکمة متعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، جلد ۹، چاپ اول (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱)، ۵۷/۱.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۶۵

نیز می‌شود؛ برای مثال قضیه «هر انسانی زمانی در حال نفس کشیدن است» به شرطی کلی است که با جهت ذکر شده در قضیه در تمام اوقات صادق باشد. همچنین قضیه‌ای با موضوع غیرکلی مانند «ماه هنگام واقع شدن خورشید در پشت زمین خسوف می‌کند.» برای کلی بودن لازم است درباره تمام ماه‌های متعلق به زمین صادق باشد.

اگر مقدمه برهان کلی نباشد، لازم می‌آید محمول در بعضی از اوقات یا در بعضی از افراد موضوع صادق نباشد؛ در نتیجه یقین به مقدمه و در پی آن نتیجه یقینی حاصل نمی‌شود و برهان از برهان بودن ساقط می‌گردد. پس برای آنکه برهان نتیجه یقینی بدهد لازم است دارای مقدماتی کلی باشد.<sup>۱۳</sup> از اینجا روشن می‌شود که بر قضایای اعتباری برهان اقامه نمی‌شود، زیرا نه ضروری هستند، نه کلی.<sup>۱۴</sup> البته گاه ممکن است برهان از مقدمات غیردائمی که اکثراً صادق هستند تشکیل شده باشد که در این صورت نتیجه آن هم اکثری و یقینی خواهد بود. البته این مقدمات اکثری را می‌توان به وجهی به دائمی بازگرداند.<sup>۱۵</sup>

## ۲. حقیقی بودن موضوع و روش تحقیق در حکمت عملی

با توجه به مطالب پیش‌گفته، روشن می‌شود برای آنکه علمی برهانی باشد، باید موضوع آن، حقیقتی از حقایق باشد که بدون اعتبار و فرض انسان امکان تحقق خارجی را دارد، زیرا اثباتی که توسط انسان فرض و اعتبار شده‌اند، واقعیت خارجی ندارند و نمی‌توان برای آنها مستقل از فرض و اعتبار انسان، وجودی در خارج در نظر گرفت. در ادامه به تبیین موضوع حکمت عملی که حقیقتی از حقایق است می‌پردازیم تا زمینه تثبیت برهانی بودن این علم فراهم شود.

### ۲-۱. تقسیم موجودات حقیقی به غیرارادی و ارادی

از نظر حکما حقایق و موجودات به دو دسته تقسیم می‌شوند: حقایقی که اراده و فعل انسان در تحقق آنها نقشی ندارد و حقایقی که اراده و فعل انسان در تحقق آنها نقش دارد.<sup>۱۶</sup> امکان بررسی این دو در علوم برهانی وجود دارد. زیرا علم برهانی، واقعیت جهان را آن‌گونه که هست به انسان می‌نمایاند و

۱۳. محمدحسین طباطبایی، برهان، چاپ دوم (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷)، ۱۱۲.

۱۴. طباطبایی، حاشیه حکمة، ۱۱۲ و ۱۱۳.

۱۵. طباطبایی، حاشیه حکمة، ۱۱۳.

۱۶. حسین بن عبدالله ابن سینا، منطق شفا (مدخل، برهان، جدل و خطابه)، ۴ جلد، تحقیق ابراهیم مدکور، چاپ اول (قاهره: المطبعة الاميرية، ۱۴۰۵)، ۱۲/۱؛ فارابی، منطقیات فارابی، ۱۲/۱ و ۳۶۵.

یگانه روشی که می‌توان از آن برای شناختی حصولی از حقایق جهان استفاده کرد، روش برهان است. در برهان، با استفاده قیاس‌های متشکل از مقدمات یقینی به نتایجی یقینی دست می‌یابیم. یقین علم ثابت و کلی به واقعیت موجودات است و صدق و تطابق با خارج در آن اخذ شده است.

به نظر فارابی و ابن‌سینا، حکمت نظری به موجودات و حقایق خارج از اراده انسان می‌پردازد و حکمت عملی به موجودات و حقایق ناشی از اراده و فعل انسان.<sup>۱۷</sup> «الغرض فی الفلسفة أن یوقف علی حقائق الأشياء کلها علی قدر ما یمکن الإنسان أن یقف علیه. و الأشياء الموجودة إما أشياء موجودة لیس وجودها باختیارنا و فعلنا، و إما أشياء وجودها باختیارنا و فعلنا. و معرفة الأمور التي من القسم الأول تسمى فلسفة نظرية، و معرفة الأمور التي من القسم الثاني تسمى فلسفة عملية.»<sup>۱۸</sup>

این دو شاخه از حکمت، تمام حقایق و واقعیت‌های موجود را همان‌گونه که در خارج تحقق دارند برای انسان کشف می‌کنند و موجب علم یقینی و برهانی به آنها هستند. به باور ایشان، روش تحقیق در حکمت نظری و عملی، برهان است که غایت یکی شناخت حق و غایت دیگری شناخت خیر است. با این وصف، حکمت عملی یکی از علوم برهانی است که به شناخت حقایق ناشی از اراده انسان می‌پردازد. «جميع ذلك إنما تحقق صحة جملته بالبرهان النظري، ... و الغاية فی الفلسفة النظرية معرفة الحق، و الغاية فی الفلسفة العملية معرفة الخیر.»<sup>۱۹</sup>

ابن‌سینا توضیح می‌دهد که موضوعات علوم حقیقی و برهانی، باید موجوداتی باشند که در طبیعت قرار دارند و ایجادکننده آنها طبیعت و حق تعالی است. اما علوم غیرحقیقی علمی هستند که واجب نیست طبیعت و حق آنها را ایجاد کرده باشند، بلکه واضع آنها می‌تواند، اعتبار و وضع انسان باشد. صنایعی که به حقایق وضعی می‌پردازند غیربرهانی و شامل جدل و خطابه و شعر هستند.<sup>۲۰</sup>

افعال ارادی انسان از جمله موجوداتی هستند که توسط طبیعت انسان در خارج ایجاد می‌شوند. به همین سبب باید آنها را موجودی از موجودات طبیعی دانست که ایجادکننده آنها طبیعت و حق تعالی است. پس با توجه به آنکه موضوع حکمت عملی موجودی حقیقی است که اراده انسان در تحقق آن نقش دارد، علمی که به این موضوع می‌پردازد، می‌تواند حقیقی و برهانی باشد. در مقابل افعال طبیعی انسان، تخیلات و موهومات غیرطبیعی قرار دارند که

۱۷. فارابی، منطقیات فارابی، ۱/۱۳.

۱۸. ابن‌سینا، منطق شفا، ۱/۱۲.

۱۹. ابن‌سینا، منطق شفا، ۱/۱۴.

۲۰. ابن‌سینا، منطق شفا، ۳/۹.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۶۷

برساخته ذهن انسان هستند و برای آنها، در طبیعت و خارج از ذهن انسان، مطابق و برابر نهادی حقیقی وجود ندارد. این‌گونه حقایق و موجودات ذهنی نمی‌توانند موضوع علوم حقیقی برهانی قرار گیرند.

## ۲-۲. حقیقی بودن افعال انسان به دلیل واقعی بودن آثار و نتایج آنها

انسان در جایگاه موجودی طبیعی، دارای افعالی حقیقی و واقعی است. این افعال غیر از وضع‌ها و اعتبارهایی است که توسط او انجام می‌شود و موضوع علوم غیربرهانی است. انسان با انجام افعال ارادی، در پی ایجاد اشیائی واقعی است و با انجام آنها به دنبال آثار وهمی و خیالی در ذهن خود نیست، بلکه آثار حقیقی و واقعی را از افعال خود طلب می‌کند. پس افعال ارادی انسان، هم خود طبیعی و حقیقی هستند و هم دارای آثار واقعی و تکوینی هستند. در واقع، موضوع حکمت عملی یا افعال ارادی انسان، حقیقتی از حقایق این جهان است. برای علم به این حقایق آنگونه که هستند، باید روش و دانش برهانی به کار برد تا بتوان به شناخت واقعی از آنها دست یافت و در جهت تحقیقشان اقدام کرد. بنابراین روش تحقیق برای کسب علم حقیقی درباره افعال ارادی انسان، در جایگاه موجوداتی حقیقی، روش برهانی است.

به گزارش فارابی از فلسفه افلاطون، علم و فعالیتی خاص لازم است تا انسان را به کمال و سعادت واقعی برساند. علمی که انسان را به این سعادت می‌رساند شامل علم به حقیقت اشیاء و شناخت سعادت واقعی و روش دستیابی به آن است. قسم اول علم نظری و قسم دوم علم عملی است. انسان اگر بر اساس این علوم عمل کند، به سعادت حقیقی دست خواهد یافت.<sup>۲۱</sup> در جست‌وجوی علم به سعادت حقیقی و سیره عملی مناسب برای رسیدن به سعادت، افلاطون، علوم و روشی‌های مختلفی را بررسی می‌کند؛ از جمله علم زبان، صنعت شعر، خطابه، سفسطه، جدل و صنایع عملی. در نهایت وی، هیچ‌یک از آنها را در یافتن علم حقیقی که سعادت واقعی انسان را در پی داشته باشد مناسب نمی‌یابد.<sup>۲۲</sup> از نظر افلاطون، روش فلسفی و برهانی یگانه روشی است که حقیقت موجودات عالم و سعادت و سیره مناسب برای رسیدن به سعادت را به انسان می‌نمایاند.<sup>۲۳</sup>

۲۱. ابونصر فارابی، فلسفه افلاطون در اسلام، تصحیح عبد الرحمن بدوی (قاهره: دار الاندلس، ۱۹۸۰)، ۴-۶.

۲۲. فارابی، فلسفه افلاطون، ۹-۱۵.

۲۳. فارابی، فلسفه افلاطون، ۱۶.

## ۲-۳. نقش علم برهانی در ایجاد افعال حقیقی

علم حصولی انسان به افعال ارادی، برای آنکه بتواند منشأ تحقق افعال، خارج از نفس انسان باشد، باید علمی حقیقی و دارای نفس الامر باشد. در علوم غیرحقیقی، به صورت یقینی معلوم نیست که کدام عمل واقعی ما را به کدام غایت حقیقی خواهد رساند. اگر علم غیرحقیقی باشد، گزارش و حکایتش از واقعیت افعال انسان، به صورت قطعی مشخص نیست. به همین دلیل، علم اعتباری به اعمال به صورت وهمی و خیالی، منشأ حقیقی افعال ارادی انسان قرار نمی‌گیرد، زیرا این علوم اگر امکان تحقق در خارج نداشته باشند، نمی‌توانند توسط انسان ایجاد شوند و اگر امکان تحقق در خارج داشته باشند، چون به صورت وهمی و خیالی معلوم هستند، نمی‌توان انتظار داشت انسان بتواند به صورت یقینی، صورت تصور شده را ایجاد کند، بلکه احتمال دارد صورت تصور شده با شیء ایجاد شده تطابق نداشته باشد.

بر این اساس، علم حصولی انسان به افعال ارادی خودش، باید علمی یقینی، واقعی و حقیقی باشد نه علمی ظنی، موهوم و خیالی تا بتواند بر اساس آن، اشیاء واقعی در خارج محقق سازد. اگر علم و دانش واقعی و حقیقی باشد، به این معنا که به چیزی تعلق گرفته باشد که ممتنع نباشد و بتواند در خارج به صورت یقینی تحقق پیدا کند، می‌توان انتظار داشت فعلی که بر اساس آنها در خارج محقق می‌شود به صورت یقینی با صورت تصور شده همخوانی داشته باشد. این علم جز از طریق برهان برای انسان حاصل نمی‌شود و حکمت عملی که موضوعش افعال ارادی انسان است، علمی حقیقی و برهانی است.

پس از تثبیت امکان تحقق علم برهانی به حکمت عملی، به ذکر شواهدی از فارابی و ابن‌سینا می‌پردازیم که در آنها به برهانی بودن حکمت عملی اذعان شده است.

## ۳. شواهد برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی

فارابی در عبارات متعددی به برهانی و فلسفی بودن حکمت عملی صریح کرده است که برخی از آنها ذکر می‌شود:

فارابی حکمت عملی را از اقسام فلسفه به معنای عام می‌داند. همان‌گونه که روشن شد، علوم فلسفی، علوم برهانی هستند؛ پس با این تقسیم، وی حکمت عملی را کنار دیگر علوم فلسفی،

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۶۹

چونان علمی برهانی قرار می‌دهد و روش تحقیق در آن را برهانی<sup>۲۴</sup> می‌داند: «و الفلسفة أربعة أقسام: علم التعاليم و العلم الطبيعي [و العلم الالهي] و العلم المدني».<sup>۲۵</sup>

در بیانی دیگر می‌گوید: «صناعة الفلسفة صنفين: صنف به تحصل معرفة الموجودات التي ليس للإنسان فعلها و هذه تسمى النظرية، و الثاني به تحصل معرفة الأشياء التي شأنها أن تفعل، و القوّة على فعل الجميل منها؛ و هذه تسمى الفلسفة العملية و الفلسفة المدنية».<sup>۲۶</sup>

وی هم چنین در عبارت دیگری بیان کرده است: «ان الفلسفه منها نظريه و منها عمليه، فالنظريه الفكرية هي التي اذا علمها الانسان لم يمكنه ان يعملها، و العمليه هي التي اذا علمها الانسان امكنه ان يعملها».<sup>۲۷</sup> نیز می‌گوید: «و العلم المدني الذي هو جزء من الفلسفه ...»<sup>۲۸</sup> در عبارتی هم آن را فلسفه انسانی نامیده است.<sup>۲۹</sup>

فارابی در توضیح کتاب‌های ارسطو، از کتابهایی یاد می‌کند که مطالب آنها در فلسفه استفاده می‌شوند، این مطالب شامل معلوماتی درباره اصلاح اخلاق، تدبیر مدن، و تدبیر منزل هستند: «و أما الكتب التي يتعلّم منها الامور التي تستعمل في الفلسفة، فبعضها يتعلّم منه «اصلاح الاخلاق»، و بعضها يتعلّم منه «تدبير المدن»، و بعضها يتعلّم منه «تدبير المنزل»».<sup>۳۰</sup>

این به آن معنا است که از نظر ارسطو این علوم که اجزاء یا اقسام حکمت عملی هستند از جمله علوم فلسفی هستند و علوم فلسفی هم با روش برهانی کسب می‌شوند.

در عباراتی فارابی، از صنعت یقینی عملی یاد می‌کند: «و الصنائع اليقينية ثلاث نظرية و عملية و منطقيه».<sup>۳۱</sup> یقین اعتقاد به مطابقت مفاد یک قضیه با خارج است به همراه این اعتقاد که ممکن نیست این مفاد تغییر کند و اعتقاد زوال پیدا کند.<sup>۳۲</sup> در علم یقینی، انسان به حقیقت اشیاء ثابت و دائم، علمی ثابت و دائم پیدا می‌کند. علم یقینی نهایت درجه انسان در کسب معرفت

۲۴. برای مطالعه بیشتر درباره دسته‌بندی و علوم حقیقی و غیرحقیقی و نسبت آنها با یکدیگر، حسام‌الدین شریفی، «جایگاه و روش‌شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی»، نشریه حکمت اسلامی، ۵، شماره ۱ (۱۳۹۷): ۱۰۵-۱۲۴.

۲۵. فارابی، منطقیات فارابی، ۱/۱۳.

۲۶. ابونصر فارابی، الاعمال الفلسفی (تحصیل السعاده و تنبیه علی سبیل السعاده)، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر جعفر آل یاسین (بیروت: دار المناهل، ۱۴۱۳)، ۲۵۶.

۲۷. ابونصر فارابی، المله، تصحیح محسن مهدی، طبع ثانی (بیروت: دار المشرق، ۱۹۹۱)، ۴۶.

۲۸. فارابی، المله، ۵۹.

۲۹. فارابی، منطقیات فارابی، ۱/۱۴.

۳۰. فارابی، منطقیات فارابی، ۱/۴.

۳۱. فارابی، منطقیات فارابی، ۱/۴۱۴.

۳۲. ابن سینا، منطقی شفاء، ۳/۷۸.

اشیاء است.<sup>۳۳</sup> این علم مبادی علوم برهانی را تشکیل می‌دهد و این باعث می‌شود که نتایج علم برهانی نیز یقینی باشد. بنابراین صنایع یقینی که حکمت عملی یکی از اقسام آن است از جمله علوم برهانی هستند.

گاهی فارابی در توضیح انواع فضیلت نظری که هدف از آن شناخت عقلانی و یقینی از موجودات است،<sup>۳۴</sup> از علم مدنی یا علم انسانی یاد می‌کند. این علم از مبادی عقلی، افعال و ملکاتی که انسان را به کمال می‌رساند بحث و گفت‌وگو می‌کند و چنین علمی جز از طریق برهان حاصل نمی‌شود: «فیحصل هاهنا علم آخر و نظر آخر یفحص عن هذه المبادی العقلية و عن الأفعال و الملكات التي بها يسعى الإنسان نحو هذا الكمال؛ فيحصل من ذلك العلم الإنساني و العلم المدنی.»<sup>۳۵</sup>

فارابی در بیان نظر افلاطون و ارسطو که فلسفه را علم به موجودات از آن جهت که موجودند می‌دانند آن را شامل علم سیاست می‌داند که یا همان حکمت عملی و یا بخشی از آن است و روش فلسفی هم از نظر او برهان است. «اذ الفلسفة، حدها و ماهيتها، انها العلم بالموجودات بما هي موجودة... و ذلك ان موضوعات العلوم و موادها لا تخلو من ان تكون: اما إلهية، و اما طبيعية، و اما منطقية، و اما رياضية، او سياسية.»<sup>۳۶</sup>

بیان دیگر فارابی چنین است: «و الفلسفة المدنية تعطى فيما تفحص عنه من الأفعال و السنن و الملكات الإرادية و سائر ما تفحص عنه، القوانين الكلية.»<sup>۳۷</sup>

بر پایه این عبارت، فلسفه مدنی که قسمی از اقسام فلسفه است، از قوانین کلی ثابت و بدون تغییر، پیرامون افعال ارادی انسان بحث می‌کند. چنین علمی تنها با روش برهان قابل تحقق است. پس حکمت عملی علمی کلی و فلسفی است که روش تحقیق در چنین علومی برهان است.

افزون بر این، فارابی هنگام گزارش از فلسفه ارسطو، علمی را شایسته عمل ارادی توسط انسان می‌داند که یقینی باشد. بنابر این علم ارادی که همان حکمت عملی است باید یقینی باشد و از طریق برهان حاصل شود: «و لما كان العلم الذي ينبغى ان يعلمه الانسان، و يعمل على موجه هو العلم اليقین دون غيره لزم ان يتوخی فی كل ما يفحص عنه من الاشياء

۳۳. فارابی، منطقیات فارابی، ۳۱۰/۱.

۳۴. فارابی، الاعمال الفلسفی، ۱۱۹.

۳۵. فارابی، الاعمال الفلسفی، ۱۴۰.

۳۶. ابونصر فارابی، الجمع بین رأی الحکیمین، تصحیح علی بوملحم (بیروت: مکتبه الهلال، ۲۰۰۲)، ۸۰.

۳۷. فارابی، احصاء العلوم، ۸۲.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۷۱

الطبیعیه و الارادیه، العلم الیقین...»<sup>۳۸</sup>... «فتحصل العلوم عنده ثلاثه: علم المنطق و العلم الطبيعي و العلم الارادی.»<sup>۳۹</sup>

وی همچنین با ذکر تاریخچه شکل‌گیری روش‌های پنجگانه در کسب علوم می‌گوید؛ با شکل‌گیری جدل، دانسته شد این روش برای کسب علم حقیقی کافی و مناسب نیست. در این هنگام جست‌وجو برای کشف روش علم حقیقی یقینی آغاز شد و تا مدتی روشی مخلوط از جدلی و برهانی در علوم به کار برده می‌شد. در همین زمان، مردم تمایل پیدا کردند تا در مسائل اجتماعی و مدنی هم به کسب علم و دانش بپردازند. مسائل مدنی، اشیائی هستند که مبدأ تحقق آنها اراده و اختیار انسان است. این روند ادامه داشت تا در زمان افلاطون و ارسطو، روش برهانی به صورت کامل از روش جدلی ممتاز شد. خواص در تعلیم و تعلم علوم نظری و عملی به روش برهانی روی آوردند و در تعلیم و تعلم عوام از روش‌های جدلی، خطبی و شعری استفاده شد.<sup>۴۰</sup>

نتیجه‌ای که از عبارات فوق حاصل می‌شود آن است که حکمت عملی، علمی فلسفی به معنای عام است که با روش برهانی، حقایق افعال ارادی انسان و راه رسیدن به سعادت حقیقی را برای انسان کشف می‌کند.

#### ۴. شواهد برهانی بودن حکمت عملی از نظر ابن سینا

ابن سینا در عبارات متعددی بر این که حکمت عملی در کنار حکمت نظری قسمی از فلسفه است که در آن از روش برهان استفاده می‌شود تأکید کرده است.<sup>۴۱</sup> در عیون الحکمه می‌گوید: «الحکمة استکمال النفس الإنسانية بتصور الأمور و التصدیق بالحقائق النظرية و العملية علی قدر الطاقة البشرية... و الحکمة المتعلقة بالأمور العملية التي إلینا أن نعلمها و نعملها تسمى حکمة عملية.»<sup>۴۲</sup>

در این عبارات ابن سینا تصدیق به حقایق عملی را حکمت می‌داند. در توضیح علوم برهانی ذکر شد برهان تنها علمی است که به تصدیق پیرامون حقایق می‌پردازد. پس در حکمت عملی از

۳۸. ابونصر فارابی، فلسفه ارسطو (بی‌جا، بی‌تا)، ۷۰.

۳۹. فارابی، فلسفه ارسطو، ۷۲.

۴۰. فارابی، کتاب الحروف، ۱۵۱-۱۵۲ و ۴۶۵-۴۶۶.

۴۱. ابن سینا، الهیات شفا، تحقیق حسن‌زاده آملی، چاپ سوم (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)، ۱۱؛

ابن سینا، منطق شفا، ۱/۱۲ و ۱۴؛ ابن سینا، مباحثات، تحقیق محسن بیدارفر (قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۱)، ۱۹۰ و ۱۹۱.

۴۲. ابن سینا، عیون الحکمه (در مجموعه رسائل)، تصحیح بیدار (قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۰)، ۳۰.

روش برهانی استفاده می‌شود نه از روش و مقدمات جدلی، خطابی و شعری که در آنها تصدیق به واقع ملاک علم قرار داده نشده است.

از نظر ابن‌سینا، مبدأ شکل‌گیری اقسام سه‌گانه حکمت عملی و طرح مسائل اولیه آنها، شریعت الهی است. همچنین شناخت و آشنایی تام و کامل مفاهیم به‌کاررفته در این علوم، در شرع رخ می‌دهد. بعد از این مرحله عقل انسان در حد طاقت و توانی که دارد به تصرف در این احکام و تعلیل و تحلیل آنها می‌پردازد و به معرفت و شناخت غیرتقلیدی و برهانی از قوانین کلی عملی دست می‌یابد و چون به شناخت حقیقی از این احکام دست یافته، می‌تواند این قوانین را در جزئیات آنها به کار ببرد: «و مبدأ هذه الثلاثة مستفاد من جهة الشريعة الإلهية، و کمالات حدودها تستبين بالشريعة الإلهية، ... و تصرف فيها بعد ذلك القوة النظرية من البشر بمعرفة القوانين العملية منهم و باستعمال تلك القوانين في الجزئیات.»<sup>۴۳</sup>

نظیر حکمت عملی که مبدأ شکل‌گیری آن، شریعت الهی است؛ مبدأ شکل‌گیری اقسام و مسائل فلسفه نظری نیز ملل و ادیان الهی هستند که با تنبه و جلب توجه مردم به مسائل حقیقی جهان خلقت و مبدأ آن، انسان را به تفکر درباره آنها وادار می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود که مردم، برای رسیدن به کمال در این علوم با قوه عقل و حجت برهانی تلاش نمایند: «و مبادئ هذه الأقسام التي للفلسفة النظرية مستفاد من أرباب الملة الإلهية على سبيل التنبيه، و متصرف على تحصيلها بالكمال بالقوة العقلية على سبيل الحجّة.»<sup>۴۴</sup>

در نظر حکمای اسلامی، دین بیان حقایق عقلانی نظری و عملی درباره جهان و افعال انسان به بیانی عام و همگانی است. به همین دلیل، فارابی فیلسوف اول را کسی می‌داند که به او وحی می‌شود و نبی است. حال بعد از دریافت دین توسط مردم، اگر عده‌ای به تقلید از آموزه‌های وحیانی راضی نباشند، این امکان برای آنها وجود دارد که با روش برهان و عقل به حقیقت و باطن احکام نظری و عملی دین دست پیدا کنند.

شاهدی دیگر بر برهانی بودن حکمت عملی کتاب شفا است. این کتاب دایرة‌المعارفی فلسفی است که تمام آن درباره فلسفه به معنای عام است. در انتهای مدخل «منطق»، ابن‌سینا متذکر می‌شود که در این کتاب، به صورت مجمل از علم اخلاق و سیاست سخن خواهد گفت. این سخن نشان از فلسفی بودن این دو علم در نظر ابن‌سینا دارد. «ثم ختمت الكتاب بالعلم المنسوب إلى ما

۴۳. ابن‌سینا، عیون الحکم، ۳۰.

۴۴. ابن‌سینا، عیون الحکم، ۳۱.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۷۳

بعد الطبيعة على أقسامه و وجوهه، مشارا فيه إلى جمل من علم الأخلاق و السياسات، إلى أن أصنّف فيها كتابا جامعا مفردا.»<sup>۴۵</sup>

همان گونه که در گذشته گفته شد، ابن سینا غرض فلسفه را شناخت حقایق موجودات می داند. یکی از اقسام موجودات، موجودات ارادی است که حکمت عملی به بحث از آن می پردازد. (ابن سینا، ۱۴۰۵ق: ۱/ ۱۲) وی بعد از ذکر انواع فلسفه عملی، روش تحقیق در تمام آنها را برهان می داند: «و جميع ذلك إنما تحقّق صحة جملته بالبرهان النظري.»<sup>۴۶</sup>

به باور ابن سینا، انسان برای کمال ذات خودش، باید معرفت به آنچه باید بداند و آنچه باید عمل کند داشته باشد که این دو معرفت از طریق برهان حاصل می شوند: «و أهم الأشياء بالإنسان أن يشتغل بما يكمل ذاته الشخصية، ... و كمالها مكسوب بمعرفة: ۱. فمنه ما هو معرفة فقط، و ۲. منه ما هو معرفة لما يعمل به. و المعرفة المكسوبة هي بالقياس اليقيني؛ و القياس اليقيني هو البرهان.»<sup>۴۷</sup>

این عبارت نیز به روشنی دلالت بر برهانی بودن حکمت عملی در نظر ابن سینا دارد، زیرا چیزهایی که ذات انسان را کامل می کنند، یا علوم نظری صرف هستند و یا علوم عملی هستند که باید به عمل درآیند تا انسان به تکامل برسد. شناختی که این دو نوع علم نظری و عملی را حاصل می کند، قیاس یقینی است که همان برهان است.

از نظر ابن سینا، موضوعات به کاررفته در علوم اگر طبیعی و حقیقی باشند؛ یعنی با وضع و قرار داد انسان تعیین نشده باشند، باید قیاس برهانی در آنها جاری ساخت و اگر وضعی و اعتباری باشند بر اساس قیاس جدلی باید درباره آنها تحقیق کرد. همان گونه که پیش از این ذکر شد، اعمال ارادی انسان یکی از موجودات حقیقی و طبیعی عالم است؛ پس قیاس های برهانی برای شناخت آنها به کار می رود، نه روش جدلی و غیربرهانی. «فمن الموضوعات ما وضعه في الطبيعة، كأنّ الطبيعة و الحق قد وضعاه و سلماه؛ و منها ما وضعه بحسب واضع أو واضعين. و الذي وضع ما فيه إنما هو بحسب الطبيعة، و نفس الحق، فهو القياس البرهاني.»<sup>۴۸</sup>

به باور ابن سینا، حکمت عملی و صنعت مدنی، بر اساس قضایای اقناعی خطابی شکل نمی گیرد، بلکه در آن باید از قضایای جزمی و اخباری بهره برد: «و أما الصناعة المدنية فلا تشارك

۴۵. ابن سینا، منطق شفا، ۱/ ۱۱.

۴۶. ابن سینا، منطق شفا، ۱/ ۱۴.

۴۷. ابن سینا، منطق شفا، ۳/ ۷.

۴۸. ابن سینا، منطق شفا، ۳/ ۹.

الخطابة في نحو التصرف و لا تشابهه. فإن تلك الصناعة ليس مبنی أمرها علی أن تكون مخاطبة للتقرير، و لا نحو بيانها (صنعت مدنی) نحواً يقتصر فيه علی الإقناع، بل يتعدى فيها ذلك إلى الاعتقاد الجزم.<sup>۴۹</sup>

پس اگر اعتقاد جزم مطابق با واقع، در صنعت مدنی باید حاصل شود، باید در این علوم برای انسان یقین حاصل شود و این یقین جز با برهان حاصل نمی‌شود و باید از قیاس‌های برهانی با نتایج یقینی در صنعت مدنی بهره برد.

ابن سینا در توضیح قضایای عقل عملی از آرای سخن می‌گوید که ارتباط به اعمال دارند و به مرتبه شهرت رسیده‌اند. این قضایا از ارتباط میان عقل نظری و عملی حاصل می‌شوند؛ مانند کذب قبیح است و عدل حسن است. این قضایا برهانی نیستند و از اولیات عقلی محض حاصل نشده‌اند؛ گرچه اگر بر این قضایا برهان آورده شود، قابلیت عقلی شدن را دارند: «الآراء التي تتعلق بالأعمال و تستفیض ذائعة مشهورة مثل: أن الكذب قبیح، و الظلم قبیح، لا علی سبیل التبرهن، و ما أشبه ذلك من المقدمات المحدودة للانفصال عن الأولیات العقلية المحضة فی كتب المنطق. و إن كانت إذا برهن علیها صارت من العقلية أيضا علی ما عرفت فی كتب المنطق.»<sup>۵۰</sup>

با توجه به این عبارت اگر بر قضایای مشهوره برهان اقامه شود از قضایای عقلی می‌شود. پس می‌توان علمی داشت که در آن بر اعمال ارادی انسان برهان آورده می‌شود که این علم همان حکمت عملی است که با قوه عقل نظری به دست می‌آید. اما گزاره‌های مشهوری ناظر به اعمال انسان که مبرهن نشده‌اند در حکمت عملی برهانی استفاده نمی‌شوند. به باور ابن سینا، اگر عقل عملی تحت احکام برهانی و یقینی عقل نظری یا به عبارت دیگر حکمت عملی باشد، از احکام مشهوری و اقتناعی قوای وهمی و خیالی متأثر نخواهد شد و در این صورت انسان دارای اخلاق و ملکات فاضل می‌شود.<sup>۵۱</sup>

ابن سینا در اشارات بعد از تعریف مشهورات خاص یا محمودات که ملاک پذیرش بیشتر آنها شهرت یا شرع است؛ صدق و کذب در آنها را منوط به قیاس و فکر می‌داند، زیرا صدق و کذب غیر از محمود و غیر محمود است: «و هذه المشهورات قد یكون صادقة و قد یكون كاذبة، و إذا كانت صادقة لیست تتسبب إلى الأولیات و نحوها، إذا لم تكن بینة الصدق عند العقل الأول إلا بنظر.»

۴۹. ابن سینا، منطق شفا، ۴ / ۳۵.

۵۰. در عیون الحکمه هم مانند این سخن آمده است. ابن سینا، عیون الحکمه، ۲۶؛ ابن سینا، نفس شفا، تصحیح حسن زاده آملی (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸)، ۲۶.

۵۱. ابن سینا، نفس شفا، ۶۲.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۷۵

إن كانت محمودة عنده، و الصادق غير المحمود، و كذلك الكاذب غير الشنيع فرب شنيع حق و رب محمود كاذب.<sup>۵۲</sup>

بنابراین، قضایای عملی مشهور گرچه به لحاظ شهرت خود صدق و کذب پذیر نیستند، قابلیت بررسی صدق و کذب با کمک برهان را دارند،<sup>۵۳</sup> زیرا همان گونه که محسوسات زمینه ساز شکل گیری معقولات هستند و محسوسات مانع معقول شدن معقولات نیستند. انسان نیز در ابتدای کار خود، اشیاء را به نحو مشهوری می شناسد، ولی با پیشرفت علم، می تواند آنها را به صورت یقینی و حقیقی نیز بشناسد که بررسی صدق و کذب این قضایا باید در علمی چون حکمت عملی صورت گیرد.

از نظر ابن سینا ویژگی منحصر به فرد انسان تصور معانی کلی عقلی و پی بردن به مجهولات تصدیقی از معلومات عقلی است. مراد از معلومات عقلی، مبادی مشهوری و اقلی نیست، بلکه اولیات عقلی مراد است که از آنها به واسطه برهان مجهولات به صورت یقینی تصدیق می شوند، زیرا در مشهورات، مطابقت با واقع و صدق به این معنا وجود ندارد و در اقلیات هم میل و تصدیق ظنی وجود دارد که موجب کشف حقیقی مجهول نیست. ابن سینا تصریح می کند که کلیات و تصدیقات عقلی که از طریق برهان به دست می آیند، می توانند به اعمال انسان اختصاص داشته باشند.<sup>۵۴</sup> «و الأمور الكلية إنما يكون فيها اعتقاد فقط و لو كان أيضا في عمل.»<sup>۵۵</sup>

این سخن بدان معنا است که با برهان، مجهولاتی کلی و عقلی درباره افعالی که شایسته است انجام یا ترک شود فهم می شود که این موجب تشکیل حکمت عملی است. صغری و کبری در حکمت عملی کلی هستند که با عقل نظری به دست می آیند، اما در مقام عمل به این آموزه های کلی، عقل عملی، کلیات حکمت عملی را با جزئیات و شرایط خاص در صحنه عمل ترکیب می کند که این نوع قیاس های جزئی به حکمت عملی ارتباطی ندارد.

### گزاره های به کاررفته در حکمت عملی

با توجه به مباحث پیشین روشن می شود که چون ظاهرا حکمت عملی از نظر افلاطون و ارسطو و حکمای اسلامی برهانی و یقینی است می توان انتظار داشت که در مقام عمل، حکما، به دنبال ایجاد حکمت عملی برهانی بوده اند، ولی اینکه چقدر موفق بوده اند نیازمند تحقیق مستقلی است.

۵۲. ابن سینا، الاشارات (در شرح اشارات)، ج ۱ (قم: دار البلاغه، ۱۳۷۵)، ۲۲۰/۱.

۵۳. در عیون الحکمه هم مانند این سخن آمده است. ابن سینا، عیون الحکمه، ۲۶.

۵۴. ابن سینا، نفس شفاء، ۲۶۵.

۵۵. ابن سینا، نفس شفاء، ۲۶۵.

با توجه به برهانی بودن حکمت عملی، کشف واقع و گزارش از واقع همان‌گونه که هست وظیفه اصلی حکمت عملی است. چون موضوع این علم افعال اختیاری انسان است، حکمت عملی از حقایقی که توسط انسان در خارج باید محقق شوند خبر می‌دهد. این گزاره‌ها چون از حقایق وجودی خبر می‌دهند گزاره‌هایی هستی‌شناسانه هستند و چون درباره افعال ارادی انسان هستند که توسط او در خارج محقق می‌شوند، برای آن که مایه برانگیختن شوق و اراده او برای عملی کردن آنها باشند، می‌توانند با گزاره‌های انشائی و انگیزشی بیان شوند. همچنین چون این گزاره‌ها با سعادت انسان پیوند دارند، به اوصافی چون خیر و شر، حسن و قبیح، مفید و مضر متصف می‌شوند و گزاره‌های ارزشی را شکل برمی‌سازند.

به نظر فارابی در صنایع برهانی از جمله حکمت عملی، تنها باید از برهان استفاده کرد، ولی گاهی برای تعلیم علوم نظری و یقینی موجود در فلسفه به عموم مردم، باید از روش اقناع خطابی و تخییل شعری نیز استفاده کرد، زیرا تعلیم علوم نظری به عموم مردم، جز با این دو راه ممکن نیست. به این آموزه‌های خیالی و تمثیلی که بر پایه علوم نظری قرار دارند؛ ملت (آیین و روش زندگی یا دین) گفته می‌شود. برخی علوم از جمله فقه و کلام، تابع این علم هستند؛ به این معنا که از ملت (دین) برای استنباط آموزه‌های جدید بهره می‌گیرند یا از آموزه‌های موجود در ملت دفاع می‌کنند. بنابراین، آموزه‌های این دو علم نیز خیالی و تمثیلی و با روشی اقناعی بیان می‌شوند.<sup>۵۶</sup> صنعت به کاررفته در کلام و فقه، خطابی، جدلی و شعری است.<sup>۵۷</sup>

به نظر فارابی، دین الهی، توسط نبی بیان می‌شود و نبی بزرگ‌ترین فیلسوف در عصر خود است که معارف عقلانی را فهم و دریافت می‌کند و آن را به صورتی که برای عموم مردم قابل فهم است، بیان می‌دارد. بنابراین، مطالب دینی، همواره با عقول برتر هماهنگ است و اگر کسی ادعای ناهماهنگی میان عقل و دین دارد، به سبب نقصان عقل اوست. نتیجه آنکه: به نظر فارابی، علم فقه و کلام چون برهانی نیستند از علوم انسانی برهانی خارج‌اند، ولی چون بر علوم برهانی مبتنی هستند، می‌توان آنها را بیانگر حقیقت به زبان عموم مردم دانست؛ به گونه‌ای که حقایق فلسفی برای آنها قابل فهم و عمل گردد.

افعال ارادی انسان با غایت و هدفی مشخص صورت می‌گیرند و یکی از ارکان حکمت عملی، در نظر فارابی، پیوند آن با غایت و هدفی است. حکمت عملی، باید در راستای سعادت

۵۶. فارابی، کتاب الحروف، ۱۳۲-۱۳۱ و ۱۳۳.

۵۷. فارابی، کتاب الحروف، ۱۵۳.

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن‌سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۷۷

و پیشرفت حقیقی انسان باشد. افعال ارادی انسان در مقایسه با غایت و هدف نهایی او، به صفات ارزشی مانند خیر و شر، حسن و قبیح، جمیل و زشت متصف می‌شوند که بیان‌گر ارزش رسیدن به هدف و غایت مشخص شده هستند.<sup>۵۸</sup> به همین دلیل برخی موضوع حکمت عملی را ارزش‌ها می‌دانند.

از سوی دیگر ضرورت همسو ساختن اعمال ارادی برای رسیدن به سعادت حقیقی، موجب می‌شود احکامی تکلیفی از دل این علم پدید آید که شامل بایدها و نبایدهایی است که انسان برای تحقق آنها در جهان خارج باید تلاش کند. این احکام انگیزشی سبب ایجاد شوق در انسان هستند و انسان را به سمت انجام اعمال ارادی تشویق می‌کنند. به نظر فارابی، با شناخت سعادت و ارتباط آن با فعل ارادی، شوق و علاقه به انجام فعل ارادی در انسان پدید می‌آید.<sup>۵۹</sup>

شوق و علاقه به لزوم انجام افعال برای رسیدن به سعادت، توسط قانون‌گذار یا خود انسان با انشاء قضایای تکلیفی، انگیزشی و کنشی صورت می‌گیرد. این قضایا جنبه خبری ندارند، بلکه انشائی هستند و می‌توان آنها را خیال‌انگیز و شاعرانه دانست. نکته مهم آن است که خود این گزاره‌های انشائی، انگیزشی و کنشی جزو حکمت عملی نیستند، بلکه از نتایج آن به شمار می‌روند و به دلیل آن که حالت اخبار از واقع ندارند نمی‌توان آنها را برهانی دانست و صدق و کذب درباره آنها بی‌معنا است.

امر و نهی‌ها و بایدها و نبایدها در حکمت عملی برهانی همگی برآمده از گزاره‌های هستی‌شناختی ناظر به افعال ارادی انسان هستند و خود آنها به‌تنهایی مسئله و مطلوب علوم انسانی نیستند. به عبارت دیگر علوم انسانی، خبردهنده از واقع هستند، ولی بایدها و نبایدها جملات انشائی هستند که فاقد ارزش علمی‌اند و نمی‌توان به آنها نسبت صدق و کذب داد.

گواه این مدعا همان‌گونه که گذشت، آن است که فارابی حکمت عملی را یکی از شاخه‌های علوم قیاسی برهانی می‌داند که با روش برهانی مبتنی بر تجربه، قضایای بدیهی موجود در خود این علم و قضایای یقینی برآمده از دیگر علوم، به‌خصوص فلسفه نظری در مسیر پاسخ به مسائل و کشف قضایای مجهول مربوط به علوم انسانی گام برمی‌دارد.

۵۸. فارابی، الاعمال الفلسفی، ۲۲۷ - ۲۳۰.

۵۹. فارابی، الاعمال الفلسفی، ۲۲۷ - ۲۲۸.

## نتیجه‌گیری

۱. برهان قیاسی است تشکیل شده از مقدماتی یقینی و مطابق با واقع برای رسیدن به نتیجه‌ای یقینی، مطابق با واقع و کاشف از واقع. از سوی دیگر علوم فلسفی و حکمت به معنای عام عبارت است از علمی که هدف آن شناخت واقعیت و موجودات حقیقی است. پس علوم فلسفی برای کشف واقع باید از قیاس‌های برهانی بهره‌برداری کنند و این علوم برهانی هستند.

۲. موجودات حقیقی و واقعی که حکمت به معنای عام به آنها شناخت پیدا می‌کند دو گونه هستند: یا موجوداتی هستند که اراده انسان در تحققشان نقشی ندارد و یا موجوداتی هستند که اراده انسان در تحققشان نقش دارد. بر این اساس حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم شده است و روش شناخت این حقایق روش برهانی است.

۳. افعال ارادی انسان، از جمله موجودات حقیقی هستند که اراده انسان در تحقق آنها نقش دارد و دارای آثار و اهداف واقعی و خارجی هستند و به ظرف ذهن و خیال انسان منحصر نیستند. با توجه به حقیقی بودن افعال انسان، روشی که می‌تواند به شناخت آنها همان‌گونه که در خارج هستند دست یابد، روش برهان است و علمی که از این شناخت حاصل می‌شود حکمت عملی است.

۴. انجام هر عملی توسط انسان، نیازمند علمی سابق به آن است، زیرا موجود ارادی بدون علم، دست به انجام هیچ کاری نمی‌زند. این علم می‌تواند حاکی و مطابق با واقعیت خارجی باشد که انسان قصد تحقق آن را دارد و یا آنکه می‌تواند، غیر مطابق با آن و بر اساس وهم و خیال شکل گرفته باشد. اگر انسان بخواهد از افعال خود به نتیجه‌ای حقیقی و واقعی برسد که مطابق با قصد و غرض ذهنی‌اش باشد، باید علوم یقینی و مطابق با واقع را مبدأ انجام افعال خود قرار دهد، نه علوم خیالی و وهمی را. بنابراین لازم است انسان به شناختی برهانی و یقینی از افعال خود دست پیدا کند که همان حکمت عملی است.

۵. در آثار فارابی و ابن‌سینا شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی یافت می‌شود. از جمله مهم‌ترین این شواهد، تقسیم حکمت به نظری و عملی است. با توجه به آنکه علوم حکمی، علمی برهانی و یقینی برای شناخت واقعیت هستند، حکمت عملی که یکی از علوم فلسفی است، باید از روش برهان بهره‌برد. دیگر آنکه ایشان حکمت به معنای عام یا گاهی خود حکمت عملی را علمی یقینی و برهانی دانسته‌اند که این مهم‌ترین شاهد بر برهانی دانست حکمت عملی توسط ایشان است. از جمله شواهد دیگر بر برهانی بودن حکمت عملی، عقلانی، کلی حقیقی بودن آنها

شواهدی بر برهانی بودن حکمت عملی از نظر فارابی و ابن سینا / شریفی و برادران مظفری ۱۷۹

است. همچنین گاهی گفته شده است که می‌توان بر آراء مشهوره، برهان آورد که در این صورت علمی که از این فرآیند حاصل می‌شود، همان حکمت عملی است.

۶. با توجه به این شواهد، به روشنی مشخص می‌شود که اعمال ارادی انسان، اگر به صورت برهانی بررسی شوند و اعمالی که انسان را به کمال حقیقی می‌رساند در این علم اثبات شوند؛ حکمت عملی از آنها شکل خواهد گرفت. این علم شایستگی آن را دارد که پایه اعمال انسان قرار گیرد و نسبت به علوم غیر یقینی و غیر برهانی که گاهی پایه عمل انسان قرار می‌گیرد دارای برتری و اولویت است. زیرا اعمال حقیقی و نفس‌الامری را به انسان می‌نمایاند که موجب کمال حقیقی انسان هستند.

افزون بر آن در حکمت عملی از گزاره‌های خبری مطابق با واقع استفاده می‌شود که قابلیت صدق و کذب نفس‌الامری در آنها لحاظ شده باشد، اما گزاره‌های عملی جدلی، خطابی و شعری که قابلیت صدق و کذب نفس‌الامری در آنها لحاظ نشده یا قابلیت صدق و کذب ندارند از حکمت عملی خارج هستند.

## کتابنامه

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الاشارات (در شرح اشارات). جلد ۱. قم: دار البلاغه، ۱۳۷۵.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. الهیات شفا. تحقیق حسن زاده آملی. چاپ سوم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. عیون الحکمه (در مجموعه رسائل). تصحیح بیدار. قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۰.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. مباحثات. تحقیق محسن بیدارفر. قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۱.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. منطق شفا (مدخل، برهان، جدل و خطابه). جلد ۴. تحقیق ابراهیم مدکور. چاپ اول. قاهره: المطبعة الاميرية، ۱۴۰۵.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. نفس شفا. تصحیح حسن زاده آملی. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- ارسطو. منطق ارسطو. تحقیق و مقدمه عبدالرحمن بدوی. جلد ۳. چاپ اول. کویت: وكالة المطبوعات و بیروت: دارالقلم، ۱۹۸۰.
- شریفی، حسام الدین؛ منصوره برادران مظفری و حسن معلمی. «جایگاه و روش شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی». حکمت اسلامی ۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۷): ۱۰۵-۱۲۴.
- طباطبایی، محمدحسین. برهان. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- طباطبایی، محمدحسین. حاشیه حکمة متعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. ۹ جلد. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
- فارابی، ابونصر. احصاء العلوم. مقدمه و شرح علی بوملحم. بیروت: مکتبه الهلال، ۱۹۹۶.
- فارابی، ابونصر. الاعمال الفلسفی (تحصیل السعاده و تبیه علی سبیل السعاده). مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر جعفر آل یاسین. بیروت: دار المناهل، ۱۴۱۳.
- فارابی، ابونصر. الجمع بین رأی الحکیمین. تصحیح علی بوملحم. بیروت: مکتبه الهلال، ۲۰۰۲.
- فارابی، ابونصر. المله. تصحیح محسن مهدی. طبع ثانی. بیروت: دار المشرق، ۱۹۹۱.
- فارابی، ابونصر. فلسفه ارسطو. بی جا، بی تا.
- فارابی، ابونصر. فلسفه افلاطون در افلاطون در اسلام. تصحیح عبد الرحمن بدوی. قاهره: دار الاندلس، ۱۹۸۰.
- فارابی، ابونصر. کتاب الحروف. تحقیق و تعلیق محسن مهدی. بیروت: دار المشرق، ۱۹۸۶.
- فارابی، ابونصر. منطقیات فارابی. به کوشش محمدتقی دانش پژه. قم: انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸.